تاک

سواد دیجیتالی برای کودکان دیجیتالی

آمنه ولی‌جانی*

● «ضریب نفوذ اینترنت و گوشی‌های هوشمند در ایران بالای ۵۰ درصد است اما متأسفانه دانش و سواد دیجیتالی مردم ۱۲ از ۱۰۰ است». این موضوع را معاون مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال اعلام کرد. حال سؤال این است که چگونه می‌توانیم سواد دیجیتال را به کودکان بیاموزیم؟ سواد دیجیتال زیرمجموعه سواد رایانه‌ای محسوب می‌شود و یکی از معانی آن کمک به کودکان در درک موضوع ردپای دیجیتالی است. ردپای دیجیتالی به این معنی است که کودکان باید یاد بگیرند هر اقدامی در فضای مجازی اینترنت اعم از نوشتن نظر برای دیگران، قراردادن عکس و... برای همیشه در آن سایت یا اپلیکیشن ذخیره می‌شود و قابل دسترسی برای دیگران خواهد بود، حتی اگر آنها را پاک کنند. سواد دیجیتال همچنین به معنای آموختن شیوه برقراری ارتباط درست و عاری از تهدید با دیگران از طریق شبکه‌های اجتماعی است و این ارتباطات می‌تواند در آینده به آنها در دستاوردهای آموزشی و موفقیت‌های حرفه‌ای کمک کند. افزون بر این، سواد دیجیتال به معنای کمک به کودکان در درک این مسئله است که هر آنچه در اینترنت می‌بینند واقعی نیست و آنها باید اطلاعاتی را که در اینترنت می‌بینند، به صورت انتقادی مورد ارزیابی قرار دهند.

برای آموزش سواد دیجیتالی بهتر است از خانه شروع کنیم. اگر شما در استفاده از ابزارهای دیجیتال در خانه مهارت دارید، نصف راه را رفته‌اید. اولین کار این است که یک برنامه زمانی برای استفاده کودکتان از برنامه‌ها و بازی‌های دیجیتال تنظیم کنید. سپس علاوه بر محدودیت زمانی، محدودیت محتوایی هم برای تلفن هوشمند یا هر ابزار دیگر مورد استفاده کودک خود تعیین کنید. در انتخاب برنامه‌ها و بازی‌ها دقت کنید. بازی‌ها و اپلیکیشن‌هایی که کودک در آن زمان مشخص‌شده استفاده می‌کند، بهتر است آموزشی و دور از خشونت باشد. مطمئن باشید کودک به هیچ محتوای نامناسبی دسترسی ندارد.

آموزش مهارت سواد دیجیتال را می‌توان در مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها ادامه داد. مربی می‌تواند با خواندن داستانی درباره تهدید و زورگویی و بحث‌کردن درباره دلیل نادرستی چنین رفتاری در کلاس، کودکان را با قلدری اینترنتی آشنا کند. تحقیقات نشان می‌دهد که خشم و آشفتگی اولین واکنش قربانیان قلدری اینترنتی است که می‌تواند با اختلالات خواب و عدم تمرکز همراه باشد. تهدیدکردن و باج‌گیری از دیگران نمونه‌هایی از قلدری اینترنتی هستند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عدم نظارت والدین بر استفاده از اینترنت و ابزارهای دیجیتالی مورد استفاده کودکان خطر قربانی‌شدن در قلدری اینترنتی را افزایش می‌دهد. همچنین با نشان‌دادن تصاویری از حیوانات واقعی و خیالی روی رایانه می‌توان به کودکان درباره واقعی بودن و نبودن آنها توضیح داد و آنها را با این موضوع آشنا کرد که هر پیامی که در اینترنت وجود دارد الزاما حقیقی نیست.

*پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس

تخته سفید شماره ۵۷

روایتی از کالایی‌شدن آموزش‌وپرورش

مشتری‌ای به نام «دانش‌آموز»

بیشتر از اینکه دانش‌آموزی حق انتخاب مدرسه‌اش را برای تحصیل داشته باشد، این مدرسه است که دانش‌آموز را انتخاب می‌کند. این اتفاق از زمانی شروع شد که تعداد دانش‌آموزان از حد ظرفیت مدارس موجود بیشتر شد. رقابت میان مدارس برای انتخاب دانش‌آموز تبدیل به بازار خریدوفروش دانش‌آموز شد. آزمون‌های ورودی مدارس برای انتخاب دانش‌آموزان مستعد تبدیل به بازار دادوستد دانش‌آموزان شده است و مشتری این بازارها خانواده‌هایی هستند که به امید کسب رتبه برتر فرزندشان در کنکور سراسری معامله می‌کنند. با وجود اینکه تفاوت مدارس باید مبتنی بر نوع محتوا و کیفیت نحوه ارائه باشد و بر همین اساس خانواده به انتخاب مدارس دانش‌آموزانش بپردازند اما این مدارس هستند که با جذب دانش‌آموزان قوی‌تر و مستعدتر خود را تبدیل به برند کرده‌اند. در این حالت خانواده‌ها هستند که با سودای کسب رتبه بهتر فرزندشان در کنکور به انتخاب این مدارس دست می‌زنند. این روزها نام یک مدرسه را که می‌بریم، سؤالات زیادی پرسیده می‌شود. دولتی است یا خصوصی؟ نمونه است یا تیزهوشان؟ نمونه‌دولتی است یا عادی؟ روش آنها شناختی است یا رفتاری؟

چنددستگی مدارس

جدای از اینکه به این سؤالات چه پاسخی بدهیم، آنچه به ذهن می‌آید، این است که این طبقه‌بندی از کجا آمده؟ آیا این طبقه‌بندی به معنای این است که در هر کدام از این مدرسه‌ها مطالب متفاوتی تدریس می‌شود؟ آیا هر کدام برای دانش‌آموزان خاصی است؟ آیا شیوه برخورد معلم‌ها و مسئولان در هر یک از این مدارس با هم تفاوت دارد؟ و سؤال جدی‌تر این است که؛ آیا این تفاوت‌ها واقعی است یا همه یک حرف می‌زنند؟ وقتی وارد برخی از مدارس می‌شویم، به ما می‌گویند آنچه به دانش‌آموزان درس می‌دهیم با سایر مدرسه‌ها تفاوت دارد. نکته اینجاست که مگر محتوای آموزشی آنچه در مدارس ارائه می‌شود، با هم تفاوت دارد! در واقع آنچه موجب تفاوت ساختار مدارس می‌شود به سه عامل محتوای آموزشی، نحوه ارائه محتوا و نوع مخاطب بستگی دارد. ساختار مدارس در ایران به‌طورکلی به دو بخش دولتی و غیردولتی طبقه‌بندی می‌شود. مدارس دولتی نیز به‌عنوان مدارس دولتی، نمونه‌دولتی، شاهد و تیزهوشان طبقه‌بندی می‌شوند و مدارس غیردولتی با وجود نظارتی که وزارت آموزش‌وپرورش دارد، کاملا باز است.

محتوای آموزشی تفاوتی ندارد

تفاوت در محتوای آموزشی به چند صورت می‌تواند وجود داشته باشد. اول آنکه، ماهیت آن محتوا متفاوت باشد. دوم آنکه، کیفیت ارائه آن محتوا رنگ جدیدی به خود بگیرد. سوم آنکه، تعداد تکرار و مقدار مطالب آموزشی تفاوت داشته باشد. در مدارس به سختی می‌توانیم بگوییم ماهیت آموزشی تفاوت دارد. زیرا همه مدارس موظف به تدریس کتاب‌های درسی هستند. دانش‌آموزان در امتحانات نهایی شرکت کرده و آنها را برای شرکت در کنکور سراسری آماده می‌کنند. پس امکان تدریس محتوایی متفاوت برای

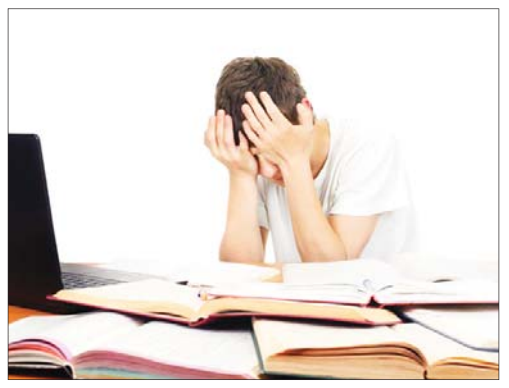

آنها امکان‌پذیر نیست. گواه این ادعا آن است که مدرسه‌ای را پیدا نمی‌کنیم که بگوید برای ما امتحانات نهایی و کنکور مهم نیست و ما بچه‌ها را برای آزمون‌های دیگری آماده می‌کنیم. ممکن است بگویند علاوه بر اینها مطالب دیگری را نیز کار می‌کنیم، در آن صورت باید پرسید وقتی قرار است دانش‌آموزان را برای هماورد عظیمی به نام کنکور سراسری آماده کنید، چقدر می‌توان زمان صرف محتوایی خارج از سرفصل‌های آن آزمون کرد. در این صورت محتوای اضافه جنبه جاری و کارکردی خواهد داشت یا ابزاری است برای ایجاد تنوع. اگر در سال‌های ۸۰ به بعد در کنکور سراسری کارشناسی شرکت کرده باشید یا فرزندانتان مشغول این آزمون بوده باشند، حتما با تحلیل‌هایی که نسبت به سؤالات کنکور صورت می‌گیرد، سروکار داشته‌اید. در اوایل سال‌های ۸۰ یعنی سال‌های ۸۲ تا ۸۵ طراحی سؤالات تا حدی تغییر کرد. تا قبل از آن سؤالات در قالب‌های خاصی که بیشتر مبتنی و برآمده از متن کتاب‌های درسی بود، نوشته می‌شد اما بعد از آن و به مرور به سمت سؤالاتی که درک دانش‌آموزان را از محتوای آموزشی بسنجند، سوق داده شد.

محتوای آموزشی مبتنی بر تکرار

مدارسی که صحبت از ارائه کیفیت آموزشی برتر می‌کنند، می‌توانند سهم بیشتری در رتبه‌های برتر کنکور داشته باشند. در واقع در این حالت رقابت دیگر بر سر تعداد تکرار محتوای آموزشی نیست و آنچه اهمیت پیدا می‌کند، کیفیت آموزشی است. اگر کیفیتی که مدارس از آن صحبت می‌کنند، جدای از آن چیزی است که در کنکور و آزمون‌های زیرمجموعه آن سنجیده می‌شود، چه راه و روش معتبر و سراسری برای سنجش آن و اثبات این مدعا وجود دارد؟ پرداختن به سؤالاتی از این دست این فرضیه را در ذهن روشن می‌کند که در زمینه محتوای آموزشی آنچه معیار طبقه‌بندی مدارس است، شدت و مقدار کار روی این محتواست و نه کیفیت و نه ماهیت. گوایینکه مدارسی که موفق می‌شوند با تکرار بیشتر روی این محتوا کار کنند در یک دسته قرار می‌گیرند و باقی در دسته دیگر.

نحوه ارائه در مدارس سلیقه‌ای است

یکی دیگر از معیارهای طبقه‌بندی مدارس شیوه ارائه محتواست. شیوه ارائه در مدارس مبتنی بر ذوق و سلیقه بوده و بسیار متنوع است. درواقع زمانی که مدیر مدرسه تغییر کند، تیمی که می‌آورد، رویکردشان تغییر می‌کند. درواقع در این حالت فردی که شیوه ارائه‌اش متفاوت باشد، با ارائه همان محتوای ثابتی که همه مدارس هم ارائه می‌کنند، می‌تواند تعداد بیشتری از دانش‌آموزان را با خود همراه کند. محتوای آموزشی عملا تفاوتی ندارد و تفاوت اساسی در این است که محتوا چگونه منتقل شود تا دانش‌آموزان بیشتری همراه شوند. برخی از معلم‌ها واقعیت را می‌پذیرند. قبول می‌کنند که این درس چندان برای بچه‌ها کاربردی نیست اما با علم به روش تدریس و با بازی آموزش می‌دهند و همین محتوای ثابت را به‌گونه‌ای ارائه می‌کنند که بچه‌ها با آنها همراهی کرده و آن درس را می‌خوانند.

طبقه‌بندی مدارس براساس نوع مخاطب

مسئله دیگر بحث طبقه‌بندی دانش‌آموز براساس مخاطب است. قاعده ارزیابی مدرسه محتوا و نحوه ارائه است اما این مهم سال‌هاست که نادیده گرفته شده و خانواده‌ها به سراغ مدارسی می‌روند که اسم و رسمی داشته باشند. پیش‌فرض انتخابشان هم این است که این دو اصل را حتما رعایت می‌کنند اما این مدارس هستند که دانش‌آموزان مستعد را انتخاب می‌کنند و خود را برند کرده‌اند تا به چشم خانواده‌ها بیایند. در مدارس تیزهوشان آنچه اتفاق می‌افتد انتخاب نوع دانش‌آموزان‌شان است. در مدارس تیزهوشان آنچه به‌عنوان محتوا ارائه می‌شود، با دیگر مدارس تفاوتی ندارد. تفاوت در این نوع طبقه‌بندی از مدارس بیشتر در ورودی دانش‌آموز است. در واقع دانش‌آموزانی که پایه درسی قوی‌تری دارند، معمولا در یک‌سری مدارس جمع می‌شوند. برای مثال وقتی به مدارس غیرانتفاعی خاص که مدعی هستند نتیجه متفاوتی می‌گیرند، نگاه می‌کنیم، می‌بینیم توانسته‌اند ورودی دانش‌آموزان‌شان را بهتر کنند. این روزها مدارس غیرانتفاعی روی برندینگشان کار می‌کنند. زمانی مدارس تیزهوشان که غیرانتفاعی هم بودند، به دو نوع علامه حلی برای پسران و فرزانگان برای دختران تعریف می‌شد اما از دوره حاجی‌بابایی همه‌چیز تغییر کرد. حاجی‌بابایی معتقد بود چرا آموزش‌وپرورش خودش چنین چیزی نداشته باشد. وی در هر منطقه یک مدرسه علامه حلی و فرزانگان تأسیس کرد تا دانش‌آموزان قوی را جذب کنند و شهریه‌ای هم برای دریافت تعریف کردند. در مدارس غیرانتفاعی وقتی شش هزار دانش‌آموز می‌گیرند قاعدتا رتبه یک تا ۲۰۰ رتبه‌های ثمربخش هستند و البته دانش‌آموزان انتخابی‌شان را به یک مدرسه نمی‌برند بلکه آن را به مجموعه مدارسشان می‌فرستند تا رتبه‌آوری‌شان در مجموعه مدارسشان نتیجه‌بخش باشد. مدارسی که برند هستند مثل رستوران‌های برند شده‌اند و تقریبا سیستمشان چون کنترل نتیجه است، در همه مشترک است.

«توران» گل همیشه‌بهار

نرگس ملک‌زاده
عضو کانون صنفی معلمان

بهار همیشه نشان زایش و زندگی است. در سومین ماه رنگ‌پریده بهار، آن روزهایی که بین بهار و تابستان نزاع برای ماندن و زودآمدن است، (۲۶خرداد) پاسداشت تولد تورانی است که «ادبیات_کودک_آموزش» به تولدش خواهد بالید، دیر شده است، اما نه آن‌قدر دیر، او جریان دارد، آن‌قدر بکر و ناب است که گویی زادگاه اندیشه او همین امروز است. سالگرد تولد میرهادی زایش دوباره کودکی است و عاشقانه‌هایش با فرهاد و چه حق است نفسی که او را معمار دوران کودکی خواند.

توران میرهادی تعلیم‌وتربیت را یک جست‌وجوی مداوم می‌داند؛ کنکاشی در درون و بیرون یک انسان و برای رسیدن به این تعریف از آموزش‌وپرورش، تمام تلاش خود را کرد تا همکاری و هم‌فکری را جایگزین رقابت کند. روی حرفش ایستاد که «رقابت» ویرانگر است، برتر و بهتر و ترها و ترین‌ها وجود خارجی ندارند، نباید فریب رقابت را خورد و برای کودکان پرونده ساخت. باید به کودکان آموخت لذت «کار جمعی» سازنده است و در تعامل مداوم است که رشد حاصل خواهد شد. کار ما ایجاد فرصت‌ها و آزادگذاشتن کودکان است، نه گذاشتن بار سنگین بر دوش کودکان. توران می‌گوید آموزش زبان و فناوری‌های الکترونیکی دیر نمی‌شود، یادگرفتن چند عبارت و زدن چند دکمه آموزش نخواهد بود؛ فشاری بیهوده و گاه بسیار گمراه‌کننده است. بانوی بزرگ کودکی‌ها می‌خواست کار تربیتی را به عشق تبدیل کند و یکی از ابزارهای رسیدن به این شوق همیشگی را طبیعت می‌دانست و او می‌خواست از صداقت طبیعت با انسان، امنیت انسان در کنار انسان را به کودکان سرمشق دهد. اینها گوشه‌ای از «هفت آرزوی توران» بود؛ آرزویی که حال وصیت شده است تا ما با کمک آن، غم بزرگ را به کاری بزرگ مبدل کنیم، اما چگونه و چه معلمانی می‌توانند اندیشه‌های میرهادی را بسط دهند؟ آیا آموزش‌وپرورش امروز بذرهای تغییر را آبیاری می‌کند یا با بی‌توجهی به آن این برهوت را خشک‌تر از پیش خواهد کرد؟

پاسخ به سؤال اول را می‌توان در جست‌وجو در دیدگاه‌های میرهادی یافت. ایشان «معلم» را مانند پلی می‌داند که کودک، نوجوان و جوان را هدایت کرده تا به صورت موجودی بالغ درآید؛ شخصی که توأمان در حال اکتشاف و بازیابی مداوم است و می‌بایست بپذیرد که مثل کلید برق نیست که در یک حرکت آن را زد و چراغ را روشن کرده، باید حوصله کرد، ممکن است هزاران حرکت فقط یک نتیجه بدهند. «تحجر» از نگاه میرهادی خطری است همیشگی برای معلمان. وقتی معلم می‌گوید: «این روش من است و روش دیگری را قبول ندارم!» یعنی آموزش نوین بایست! من هنوز تا رسیدن به تو فاصله دارم، سنسورهای این معلم که باید در تمام جهات کار کنند، سال‌هاست روی یک موضوع ایستاده‌اند. میرهادی بارها گفته است: «هیچ‌یک از لحظه‌های معلمی گم‌شدنی نیست». راست می‌گوید؛ خدمت و خیانت در آموزش گم نخواهد شد.

اما سؤال دوم اینکه آموزش‌وپرورش امروز چقدر با میرهادی‌های این حوزه همراه است؟ در کوتاه‌ترین فاصله طرح حذف آزمون از دوره ابتدایی می‌تواند پاسخ به این سؤال باشد؛ طرحی که از زمان اعلام تا قطعیت، سروصداهای زیادی را بلند کرد. مخالفان زورشان نرسید یا حداقل کمتر توانستند با نفوذ در لایه‌های قدرت و سیاست اعمال نفوذ کنند. دلایل آنها در مواردی کارشناسی‌شده و برای جلوگیری از آسیب بیشتر به این پیکره بی‌جان بود، اما بگذریم که چه را حذف کردیم و چه جایگزینش کردیم، اما حذف این آزمون‌ها اگر در مسیر درستش اتفاق بیفتد، نه بزک‌کردن ظاهری، می‌توان آموزش‌وپرورش را در مسیر «تحول تورانی» دانست.

اما بازمی‌گردم به بهانه‌ای که دلیل ورق‌زدن اندیشه‌های توران میرهادی شد. همان‌طور که شوپنهاور می‌گوید: «با اشتیاق و علاقه فراوان درست به همان نحو که یک صابون را تا حد و اندازه ممکن (هرچند با این یقین که خواهد ترکید) باد می‌کنیم، تا جای ممکن به زندگی خود ادامه می‌دهیم». این عبارات نشان می‌دهند که زندگی معلق‌بودن در حباب نیست. دور باطل و تسلسل کلافه‌کننده‌ای که روزی پیمانه بشکند و حباب هفت‌رنگ بترکد و ما در روز تولد مرده باشیم نخواهد بود، به شرطی که بخواهیم زندگی را زندگی کنیم. توران ثابت کرد در این جهان از بودن خبری نیست و هرچه هست در حال شدن است و شاید این بهترین دلیلی است که می‌توان توران را «گل همیشه‌بهار» نامید، در زادروزش جوانه زد و در طول زندگی ریشه دواند، عمیق و اصیل.

نگاه

به بهانه تولد توران‌خانم بنیان‌گذار آموزش‌وپرورش نوین

● معلمان مدارس، با تدریس در کلاس بسته و دانش‌آموز نشسته و ساکت بیشتر آشنایند. به‌طوری‌که آموزش باز، در فضای گسترده و با دانش‌آموز جست‌وجوگر و در حال حرکت، آنها را سردرگم می‌کند. همان‌طورکه بسیاری از اوقات، تصاویر کتاب‌های درسی را قسمتی از آموزش نمی‌دانند و فقط به متن‌ها توجه دارند، مشاهده و تجربه مستقیم را جزئی از آموزش نمی‌دانند؛ نمی‌دانند چگونه یک گل، یک برگ، یک تار عنکبوت، یک چرخ یا یک ماشین می‌تواند بیش از چندین صفحه کتاب آموزش دهد. نقص البته از معلم نیست. نقص از نظام آموزش و تربیت معلم است. چنین است که هنگام بازدیدها، خود را کنار می‌کشند و شاگردان را به حال خود می‌گذارند یا آن چنان انضباطی برقرار می‌کنند که همه لطف کار آموزشی آزاد از دست می‌رود. معلمان ما از این قاعده مستثنی نبودند و سال‌ها طول کشید تا گردش‌های علمی به‌تدریج توانستند ثمربخشی لازم را بیابند. دانش‌آموزان، آن‌طورکه باید و شاید در سطح مملکت و مؤسسات مختلف به‌حساب نمی‌آیند. از موزه‌ها شروع کنیم که قاعدتا باید راهنمایی برای بزرگ‌ترها و راهنمایی برای دانش‌آموزان داشته باشند که ندارند. مؤسسات، کارخانه‌ها و مراکز علمی و صنعتی هم به این نکته توجه نکرده‌اند. تنظیم جزوه‌ای کوچک همراه با مهم‌ترین اطلاعات با طرح، تصویر، راهنما، نقشه

و آمار به زبان ساده و با توجه به نیاز کودکان و نوجوانان، کار دشواری نیست. حتی می‌توان منابعی دیگر را نیز برای مطالعه دانش‌آموزان معرفی کرد. اما کمتر مؤسسه‌ای چنین فکری کرده است. در یکی، دو مؤسسه هم که جزوه‌هایی یافتیم، بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت. بازدید از موزه‌ها، جزئی از برنامه آموزشی بود و به‌طور منظم انجام می‌شد. کارکنان موزه ایران باستان، موزه مردم‌شناسی و موزه هنرهای تزئینی، با ما آشنایی کامل داشتند و شاید هم گاه وقتی به قیافه ما برمی‌خوردند با خود می‌گفتند که «باز آمدند!» شاگردان ما مثل شاگردان تعدادی از مدارس دیگر، رفتن به موزه را کاری تشریفاتی نمی‌دانستند. سؤال‌ها و وظایفی داشتند، باید گزارشی تهیه می‌کردند که سبب می‌شد به‌صورت گروهی و به‌طور پراکنده در موزه کار کنند. گروهی به وسایل کشاورزی، دامداری و شکار توجه می‌کردند و نمونه‌ها را می‌دیدند و نقاشی می‌کردند. گروهی وسایل پخت‌وپز را مطالعه می‌کردند، گروهی دیگر به وسایل جنگی یا وسایل نقلیه، یا آلات و ابزار و مصالح کار دقت می‌کردند. گروهی، طرح‌های نقاشی یا حکاکی‌شده روی سفال و سنگ را مطالعه می‌کردند. با این وظایف، بدیهی است شاگردان ما مثل شاگردان عموم مدارس دیگر صف نمی‌بستند و تند حرکت نمی‌کردند. هر بار برای هر قسمت، ممکن بود بین یک‌ساعت‌ونیم تا دو ساعت، در موزه بمانند.

برگرفته از کتاب «جستجو در راه‌ها و روش‌های تربیت» نوشته توران میرهادی، نشر دیدار، ۱۳۹۷

جدول ۳۱۳۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اتومبیل جابه‌جایی بیمار- مطالبه خانواده عروس ۲- به‌هوش باش- انبار گندم- سرپرست جامعه اسلامی ۳- از ملزومات باغبانی- نام درختی در آسمان هفتم- دلسردی ۴- به‌وجودآمدن- از چهار جهت جغرافیایی- نوعی طرح لباس زنانه ۵- محل نشستن- شهری در استان کرمان ۶- از ارتفاعات کرمانشاه- اعلان- مقابل بردن ۷- امر به رفتن دارد- مهم‌بودن- تلافی ۸- نوعی تسهیلات بانکی- دیواره متحرک- حرکت فتحه ۹- سردرد شایع و شدید- عامل- ضمیر سوم‌شخص ۱۰- بایگانی- ملخ دریایی- تولیدکننده ۱۱- زاده چهارپایان- مدخل ۱۲- ششم- وسیله تزریق آمپول- تخته ضخیم بلند ۱۳- بالاپوش بلند مردان قدیم- برقرار- نوعی تزیین روی پارچه ۱۴- شهری در استان ایلام- رنگ صلح- سرپرست ۱۵- دائمی- عنوانی برای آمریکا.

عمودی:

۱- از دل پرسوز برآید- اخمو- اندوهگین و غصه‌دار ۲- دارای زمین‌های کشاورزی- دستورات- اسب سیاه ۳- گلی معطر و دارویی- گوسفند ماده- نقاش نامدار اسپانیایی ۴- رهبر- کتاب ثبت رکوردهای جهانی- باران اندک ۵- شفاهی- عالم وهم و خیال- سگ انگلیسی ۶- زمین آماده کشت- مادر- سهولت ۷- برج فرانسه- فیلمی ترسناک و مشهور ساخته ویلیام فریدکین- اجراکننده ۸- گلی زیبا- بدزبانی- شاه ساسانی و نوه اردشیر بابکان ۹- هجران- نقاش چیره‌دست هلندی قرن نوزدهم- تکنیک ۱۰- آبگوشت- موجود زنده چند سلولی- هواپیمای جنگی ۱۱- رها و آزاد- محل تقاطع دو دیوار- مادر ۱۲- شهر آستان حضرت عبدالعظیم(ع)- شر به پا کن- از هم‌زبانی خوشتر است ۱۳- لازم- حرف محرمانه- از سازهای زهی ۱۴- اشاره به دور- عقب هرچیز- دست‌آموز ۱۵- شیر بیشه- زهتاب- حرف انتخاب.

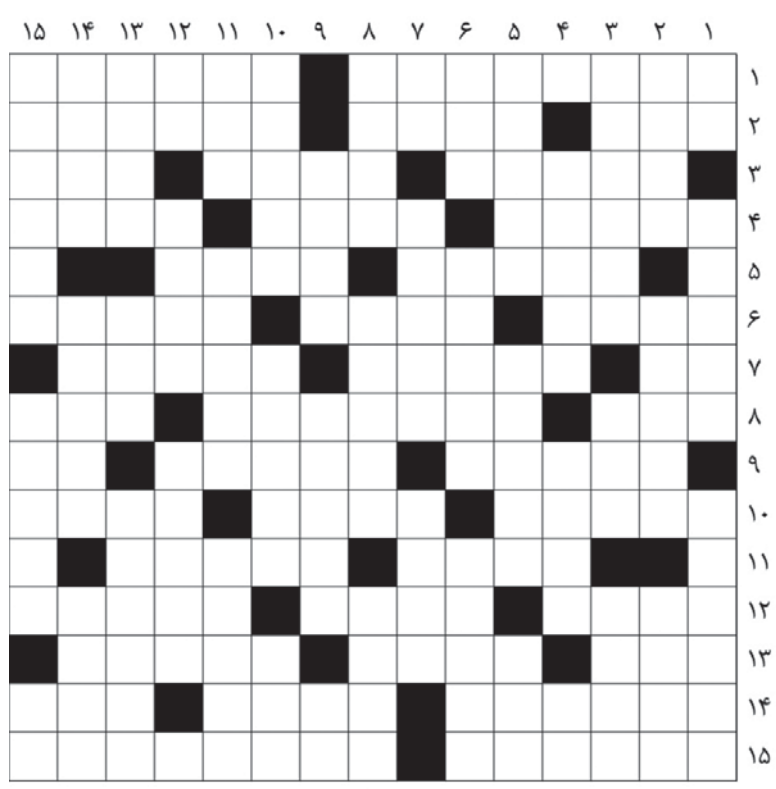

حل سودوکو سخت

۹	۲	۴	۵	۷	۸	۶	۱	۳
۳	۷	۶	۱	۹	۲	۴	۸	۵
۸	۱	۵	۶	۴	۳	۹	۲	۷
۴	۸	۹	۷	۶	۱	۳	۵	۲
۲	۵	۱	۳	۸	۹	۷	۴	۶
۶	۳	۷	۴	۲	۵	۸	۹	۱
۱	۴	۳	۹	۵	۷	۲	۶	۸
۷	۶	۲	۸	۱	۴	۵	۳	۹
۵	۹	۸	۲	۳	۶	۱	۷	۴

حل سودوکو ۲۱۲۵

۴	۷	۳	۵	۹	۱	۸	۲	۶
۵	۶	۸	۲	۷	۳	۴	۱	۹
۲	۹	۱	۴	۸	۶	۷	۳	۵
۷	۳	۵	۸	۶	۴	۱	۹	۲
۱	۸	۲	۷	۵	۹	۶	۴	۳
۹	۴	۶	۱	۳	۲	۵	۷	۸
۸	۱	۴	۹	۲	۵	۳	۶	۷
۳	۵	۹	۶	۱	۷	۲	۸	۴
۶	۲	۷	۳	۴	۸	۹	۵	۱

جدول ۳۱۲۹

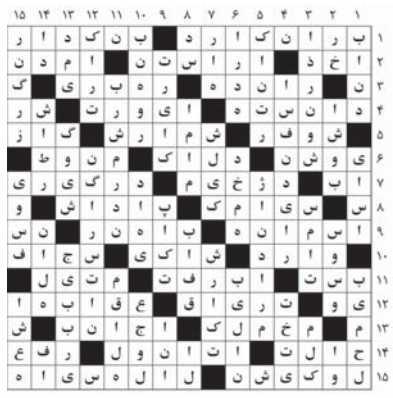

سودوکو سخت ۲۱۲۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲				۸				۴
		۸		۵	۹			۲
۳		۵						
		۲				۳		۸
۸	۶						۷	۱
۷		۳				۶		
						۵		۳
۵			۲	۴		۸		
۶				۱				۷

سودوکو ساده ۲۱۲۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱	۹	۵				۷		
	۳	۸		۶	۵			۹
۶			۸					
		۱	۲				۳	
			۱	۸	۳			
	۸				۷	۶		
					۸			۲
۵			۴	۷		۹	۸	
		۹				۳	۱	۴